

## بررسی نقش استعمار در ایجاد فرق انحرافی مهدویت و چالش‌های مرتبط

سید علی اکبر ربیع نتاج<sup>۱</sup>

حسن یعقوبی<sup>۲</sup>

سیده فاطمه کریمی<sup>۳</sup>

حدیثه بهرامی<sup>۴</sup>

سیدعلیرضا موسوی<sup>۵</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۳

### چکیده

یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین مباحث اعتقادی و مبتلابه در دنیای امروز - به ویژه اسلام - مقوله «مهدویت» می‌باشد. از طرفی، دشمنان کوشیده‌اند از طریق مصادره و به انحراف کشاندن این عقیده در بین مسلمین - گاهی با استفاده از قدرت نرم و گاه با قدرت سخت - به مقصود خود نایل شوند. ناخوش آن‌که، انسان از خود بیگانه و از مکاتب بشری رمیده، رنجور از خطرات و مخاطرات و مقهور از رسانه و ارتباطات، در عصر حاضر از نظر اعتقادی شخصیتی بسیار شکننده و آسیب‌پذیر یافته است. وانگهی، در جستجوی آرمان‌های فطری و مشروع خود هر روز سر بر آستان بدعتی تازه می‌ساید. پژوهش پیش‌رو که با روش توصیفی تحلیلی سامان یافته، با هدف بررسی آسیب‌های موجود در موضوع مهدویت و انحرافات آن با معرفی برخی فرقه‌ها در عصر حاضر تدوین و به روند تشکیل و قدرت یافتن رهبران و رهروان آنها پرداخته است. نیز، پرده از نقش پنهان و آشکار استعمارگران و دول نامشروع منطقه‌ای در ایجاد و حمایت از آنان برداشته و به مسئولیت

۱. عضو هیئت علمی و استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران.

۲. دانشجوی دکتری الهیات، علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) (hasan8933@yahoo.com).

۳. کارشناسی ارشد الهیات، علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران.

۴. کارشناسی ارشد الهیات، علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران.

۵. کارشناسی ارشد الهیات، علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران.

سنگین علما، مسلمانان و دولت‌های اسلامی در این خصوص اشاره می‌کند. یافته‌های تحقیق حاضر حاکی از این است که؛ انجام پژوهش‌های راهبردی، آموزش، آگاهی، هوشیاری، و داشتن راهکارهای صحیح و اثرگذار از سوی مسئولین و سازمان‌های مردم‌نهاد، استفاده از مفاهیم و مضامین معنوی و عرفان اصیل اسلامی، آشنا کردن مبلغین کاردان با شگردها و مغالطات مروجان عرفان‌های نوظهور و فرق انحرافی، برگزاری کلاس‌های تدبر و تفسیر قرآن - به ویژه آیات مرتبط با موضوع مهدویت - از جمله برنامه‌های عملی و راهگشا برای پیشگیری از این آسیب‌ها و مقابله با انحرافات یادشده می‌باشد.

#### واژگان کلیدی

آسیب‌شناسی، مهدویت، فرق انحرافی، استعمار.

#### مقدمه

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های اسلامی عقیده به وجود منجی در آخرالزمان و برقراری حکومت صالحان بر جهانیان است. اگرچه این بحث اختصاص به مسلمانان نداشته و در سایر ادیان ابراهیمی نیز مطرح است اما، صراحت اشاره به این موضوع در آیات و روایات متعدد اسلامی باعث شد تا دشمنان دین، درصدد توطئه و تدارک برای تغییر و امحای آن بپردازند. در قرآن کریم آیات فراوانی به طور مستقیم و غیرمستقیم اشاره به موضوع مهدویت و مباحث مربوط به آن دارد. و از منظر احادیث تفسیری نیز این موضوع دارای جایگاهی ویژه و با اهمیت است. به گونه‌ای که یکی از اساسی‌ترین معتقدات مسلمانان و به ویژه شیعیان، مسئله اعتقاد به موعود و منجی بودن امام مهدی عجل‌الله‌تعالی و فرجه‌التوفیق و ظهور ایشان پس از دو دوره غیبت صغری و کبری و بعد از گسترده شدن ظلم و بی‌عدالتی در جهان و ناتوانی مکاتب مختلف بشری از اجرای عدالت و یا برطرف کردن بی‌عدالتی‌های موجود می‌باشد. از طرفی، هشدارهای قرآن مبنی بر لزوم اطاعت اهل ایمان از اولیای الهی (آل عمران: ۳۲ و ۱۳۲؛ نساء: ۵۹؛ مائده: ۹۲ و...)، نهی مؤمنان در اطاعت از اولیای شیطانی (أنعام: ۱۲۱؛ نساء: ۶۰؛ ابراهیم: ۳ و...)، و وجوب مراجعه به دانایان و کسب علم و آگاهی (نحل: ۴۳؛ انبیاء: ۷) همه و همه تأکید بر نقش و مسئولیت آحاد جامعه اسلامی و به ویژه علما دارد. وانگهی، غیبت کبری حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی و فرجه‌التوفیق و طولانی شدن آن باعث شد تا تحت تأثیر عوامل مختلف، هر از چندگاهی، فرد یا افرادی خود را به عنوان موعود و منجی معرفی نموده و از کاستی‌های موجود، سوءاستفاده لازم را کرده و با منحرف کردن افکار و عقاید بخشی از مردم معتقد به موضوع مهدویت، اثرات زیان‌بار و لطمات جبران‌ناپذیری را بر پیکره اجتماع اسلامی و انسانی وارد نمایند و این در حالی است که؛ «بدون شک معرفت امام زمان عجل‌الله‌تعالی و فرجه‌التوفیق و رهبر امت بر حسب دلائل محکم عقلی و روایات معتبر، یکی از مهم‌ترین مسائل

اسلامی است که در تمام ادوار و اعصار مورد توجه بوده و بعد سیاسی آن در نظام حکومتی اسلام نقش تعیین‌کننده دارد. معرفت امام؛ امان از ضلالت و گمراهی؛ و موجب تقرب به خداوند متعال و ترقی و کمال نفس است و بدون معرفت امام و ولی امر، هیچ طاعت و عبادتی مقبول نیست» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۷ش: ۷) نیز؛ «مسئله توجه به "مصلح جهانی" موضوعی است که بر اعتقاد تمامی افراد بشر در تمام پیروان مکاتب و مذاهب الهی و غیر الهی تاثیرگذار بوده و هر کدام به گونه‌ای اعتقاد خود را در این راستا بیان کرده است» (مشعل پورفرد، ۱۳۹۰ش: ۶) چراکه؛ «نجات مستضعفان و نابودی مستکبران، و خلافت مؤمنان و شایستگان به رهبری يك رجل و ابرمرد الهی واحد و سعادت عمومی، امنیت و رفاه، تعاون و همکاری، همبستگی همگانی حکومت حق و عدل جهانی، غلبه حق بر باطل، غلبه جنود الله بر جنود شیطان است که موعود انبیاء و ادیان و دوازدهمین اوصیاء و خلفای پیغمبر آخرالزمان است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱ش: ۱۳۰). مع‌الأسف، تشکیل فرقه‌های انحرافی - که البته در دوران معاصر تحت مدیریت و هدایت پنهان و آشکار دول استعمار بوده‌اند - پیامدهای ناگواری را برای جوامع اسلامی به همراه داشته که از آن جمله، می‌توان به؛ سست شدن عقیده مردم به مهدویت و فرهنگ انتظار، به خطر افتادن وحدت و یکپارچگی در جوامع اسلامی، تسلط دشمنان بر امت‌های اسلامی و بروز ناهنجاریهای اخلاقی و رفتاری به سبب تشکیک و تغییر در عقاید مسلمانان - به ویژه موضوع انتظار - اشاره کرد.

یکی از مهم‌ترین برنامه‌های دول استعماری ایجاد، هدایت و مدیریت فرق انحرافی مهدویت در دو قرن اخیر و به ویژه در منطقه خاورمیانه می‌باشد. آنان با استفاده از سیاست معروف: «تفرقه بینداز و حکومت کن!» توانسته‌اند ضمن شناسایی و به کارگیری عناصر و ابزار اجرایی این سیاست، سرمایه‌های مادی و معنوی کشورهای منطقه را به یغما برده و توانایی مقابله را از آنان گرفته و به اهداف خود - هرچند موقت - دست یابند. اما از آن جا که؛ «و أن الله موهن کید الکافرین» و به درستی که خدا کید کافران را بی‌اثر می‌کند (انفال: ۱۸). وقوع انقلاب اسلامی در ایران - کشوری که به دلایل متعدد کعبه آمال استعمارگران محسوب می‌شد - باطل السحر آنان شده و نقشه‌های شان را نقش بر آب کرد. چرا که برخلاف مدعیان برساخته و دروغین، رهبران این انقلاب، مردم را نه به خود بلکه به سوی خدا می‌خوانند. و نه خود را امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه و یا نماینده رسمی او، که سرباز و شیعه آن حضرت می‌دانند. آنان همچنین، انقلاب شان را مردمی، هدف شان را الهی و تلاش شان را زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت

جهانی حضرت حجة بن الحسن المهدی علیه السلام دانسته و تمام برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان انقلاب را در این جهت طراحی و به پیش می‌برند.

عطف به این نکته، یکی مهم‌ترین چالش‌های پیش روی انقلاب اسلامی ایران در آرمان موعودگرایی و زمینه‌سازی برای حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه، هم‌مین فرق انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت از یک طرف، و چگونگی برنامه‌ریزی و اتخاذ روش‌های درست برخورد با آنان از طرف دیگر می‌باشد. چرا که هر از چندگاهی یکی از این فرقه‌ها با نام و عقیده‌ای تازه سر برآورده و با جمع عده‌ای عوام پیرامون معدودی خواص خودفروخته، به ایجاد تفرقه و تخطئه عقاید پرداخته و سعی در از بین بردن این عقیده متعالی الهی در بین مسلمانان و به ویژه شیعیان دارند. هرچند بنا به وعده الهی: «و ما کید الکافرین إلا فی ضلال» و نیرنگ کافران جز در گمراهی نیست (غافر: ۲۵). اما، در عین توجه به کاستی‌های موجود و پرداختن به موضوعات یادشده، ابتدا باید به روشنگری و سپس به اصلاح و ارائه راهکارهای لازم اقدام نمود. هدف اصلی از انجام این پژوهش؛ آسیب‌شناسی مباحث مهدویت با تأکید بر نقش و انحرافات فرق و مدعیان دروغین می‌باشد.

### بیان مسئله

ارتباط بسیاری از آیات قرآن کریم به موضوع مهدویت و وجود احادیث فراوان در این خصوص، قرار گرفتن در برهه حساسی از تاریخ اسلام، یعنی؛ دوران غیبت کبری، وقوع انقلاب اسلامی در ایران و دوران جنبش و بیداری اسلامی، همه و همه حاکی از اهمیت این موضوع بوده و از طرفی، نیاز جامعه اسلامی را به داشتن برنامه‌های مؤثر و هدفمند در این زمینه آشکار می‌کند. چراکه؛ اسلام و آموزه‌های مترقی آن همواره مورد دشمنی طواغیت، دنیاطلبان و بدخواهان بوده است. و این افراد به شیوه‌های مختلف سعی در گمراه نمودن و به انحراف کشیدن عقاید صحیح اسلامی داشته‌اند. یکی از مهم‌ترین این اقدامات راه‌اندازی فرقه‌های انحرافی است. با وجود تلاش بسیار امامان معصوم علیهم السلام و اصحاب و شاگردان‌شان، باز هم فرقه‌هایی حتی در عصر آن بزرگواران به وجود آمدند که در مسیر عقیده شیعیان به امامت معصومین علیهم السلام، انحرافات بزرگی ایجاد کردند. به طوری که جریان‌های منحرف با اسم و رسم مهدویت در سرزمین‌های اسلامی ظهور کردند و عده‌ای را گرد خود جمع کردند. اما، یکی از ویژگی‌های بیدارگر و منحصر به فرد در مبحث مهدویت موضوع استکبارستیزی و مبارزه با ایادی

آن است. زیرا، عقیده متعالی به وجود منجی، سبب زیر سؤال رفتن ماهیت ظالمانه و فسادانگیز استکبار می‌شود و از طرفی، موجبات رشد امید و استقامت در جامعه اسلامی را فراهم می‌سازد. به همین سبب مستکبران درصدد پیشبرد مقاصد خود با اجرای برنامه‌های منظم هستند تا این اندیشه را در بین مسلمانان - به خصوص شیعیان - از بین ببرند. یکی از این برنامه‌ها ایجاد فرقه‌های انحرافی حول محور مهدویت و ادعای قائمیت از سوی گماشتگان و پشتیبانی فکری - و در صورت لزوم، ابزاری - از آنها می‌باشد. بدین ترتیب، این اندیشه در طول تاریخ از دست برد بداندیشان در امان نبوده و هر از چندگاهی کسانی با دستاویز قرار دادن این اندیشه به تخریب آن در نزد مردم و در نهایت به انحراف و فریب آنان می‌پردازند. بنابراین، در صورتی می‌توان با این افراد مقابله کرد که اهداف و ابزارهای دست‌یابی به اهدافشان شناخته و راهکارهای علمی و عملی لازم در ناکام گذاشتن آنان از سوی کارشناسان و خبرگان امر ارائه شود. از طرفی، با توجه به این‌که از وظایف مهم علما و دانشمندان اسلامی ترویج و حمایت از عقاید و باورهای صحیح اسلامی می‌باشد، پس باید به شکل‌های مختلف این فرق منحرف و ماهیت باطل آنها را به مردم شناسانده و از نشر عقاید باطل آنها و گسترش مکاتب انحرافی جلوگیری نمایند و راه درست مواجهه و در صورت لزوم، مبارزه با آنها را به مردم بیاموزند. همچنین، اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع وقتی بیشتر می‌شود که به وجود نقش دشمنان اسلام در ایجاد، هدایت و بهره‌کشی از فرقه‌های منحرف از مسئله مهدویت - به ویژه رهبران آنان - به نفع اهداف استعماریشان پی ببریم و به مسئولیت آحاد جامعه اسلامی و نقش برجسته علما و مسئولین در مقابله با این آسیب‌ها و انحرافات آگاه‌تر شویم. وانگهی، اعتقاد به حیات و امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور آن امام براساس تعالیم اسلامی و روایات رسیده از امامان معصوم علیهم السلام از مسائل حتمی و غیرقابل خدشه در مکتب تشیع است. از طرفی، بیان و گسترش برخی مسائل مهدویت مانند: علائم و نشانه‌های ظهور، ظلم و بی‌عدالتی حاصل از عدم حاکمیت و مدیریت انسان کامل و معصوم بر جامعه بشری، اعتقاد به موعود و منجی در نزد پیروان ادیان و... باعث گردید تا دشمنان دین و استعمارگران همواره در لباس خیرخواهی و دوستی و با ایجاد انحراف در عقاید و در نهایت تفرقه در بین مسلمانان به تعقیب اهداف و مقاصد پلید خود از رهگذر ایجاد و حمایت از فرقه‌های منحرف از دین بپردازند. با ذکر این نکات که: «جوامع بشری به موازات کسب توانایی‌های مادی، در عرصه معنویت و اخلاق به انحطاط گرائیده است، به همین سبب به دنبال عرفان‌های گوناگون رفته و هر روز آئین

جدیدی به وجود می‌آید» (دانش پژوه، ۱۳۹۰: ش: ۲۹) و «در طول تاریخ، ادیان آسمانی و مذاهب مربوط به آنها با تحریفات و التقاط‌های متعدد معنوی و لفظی مواجه بودند. تحریفات به عمل آمده در آموزه‌های ادیان با ایجاد تغییرات کلی در آموزه‌های یک دین و یا با حذف برخی از آموزه‌ها و افزودن مطالب دلخواه تحریف‌گران به وجود آمده است. و در مواردی نیز با تلفیق و التقاط آموزه‌های ادیان؛ فرق و نحله فکری خاصی شکل گرفته است» (حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹: ش: ۱۹۳) و طرفه آن که؛ «امروز جامعه ما؛ جوانان ما؛ همه ما؛ به آشنایی به این مکتب؛ به دیدن این مدرسه الهی محتاجیم؛ باید معرفت خود را به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ولی دوران کامل و کامل‌تر کنیم» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶: ش: ۶۹) وانگهی، «اعتقاد به مهدویت مؤثر در تعلیم و تربیت اسلامی است. و اگر جامعه‌ای در انتظار عدالت جهانی است، در حد توان آن را تمرین می‌کند و برای تحقق آن پیش می‌رود، به گونه‌ای که جوامع دیگر با مشاهده جامعه، منتظر و مشتاق آن جامعه و آرمان‌های آن می‌شوند» (فدائی، ۱۳۸۴: ش: چکیده) و از طرف دیگر، «آشنایی و شناخت اندیشه‌های دینی مدعی مهدویت پس از غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و دستیابی به پاسخ‌های لازم برای روشن نمودن برخی از شبهات و ابهامات و دستیابی به شناخت هرچه بیشتر درباره آنها ضرورتی است انکارناپذیر» (حسینی نیشابوری، ۱۳۷۹: ش: چکیده). عطف به آنچه گذشت باید دید که؛ دلایل و ریشه‌های به وجود آمدن این همه بدعت و تحریف در مسائل دینی چیست؟ به وجود آورندگان آن در پی چه اهداف و انگیزه‌هایی بوده و هستند؟ دول استعمارگر در ایجاد و هدایت فرق انحرافی چه نقش و تأثیری دارند؟ و راهکارهای مقابله با توطئه‌های استعماری در مقوله مهدویت کدامند؟ چرا علیرغم همه مخالفت‌ها و مبارزاتی که علیه این بدعت‌ها انجام گرفت، هیچگاه منهدم و مضمحل نشده و هر نوبت در لباس و پوششی جدید سر برمی‌آورند؟ و بالأخره، شیوه‌های صحیح برای مقابله و از بین بردن این بدعت‌ها و انحرافات چیست؟ پژوهش پیش‌رو به این مهم می‌پردازد. با آن‌که در خصوص اندیشه مهدویت در انواع فرقه‌های انحرافی و علل پیدایش آنها، مقالات و مطالب زیادی نوشته شده است، و در اثنای برخی مطالب به نقش تخریبی این فرقه‌ها و ادعاهایی که رؤسای این فرقه‌ها بر اندیشه مهدویت داشته‌اند، پرداخته‌اند. اما، بررسی نقش آسیب‌زای فرقه‌های انحرافی و مدعیان دروغین - به ویژه دول استعمارگر شرق و غرب - در تخریب اندیشه مهدویت موضوعی حیاتی است که مورد غفلت و بی‌توجهی قرار گرفته و یا دست‌کم پژوهش‌های لازم و درخور آن انجام نشده است. بنابراین، پژوهش حاضر

تلاش دارد تا با نگاهی نو و روش مند، بخشی از رسالت خود در این زمینه را به انجام رسانده و از کاستی‌های موجود بکاهد.

## مفهوم‌شناسی

### ۱. مهدویت و مهدی باوری

مهدویت، اعتقاد به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، کسی که بشارت داده‌اند او قطعا در آخرالزمان می‌آید (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۲۰، ۳۳۲) و از «هدی» به معنای راهنمایی کردن و ثابت قدم کردن گرفته شده (طریحی، ۱۳۷۵ش: ج ۱، ۴۷۱) مهدی: کسی که خداوند او را به راه حق هدایت کند. مهدی کسی است که پیامبر صلی الله علیه و آله آمدنش را در دوران آخرالزمان بشارت دادند (ابن منظور، ۱۴۱۰ق: ج ۱۵، ۳۵۴) و «مهدویت در اصطلاح اعتقاد به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را گویند که از جمله معتقدات اصولی مذهب شیعه اثنا عشری است» (تونه‌ای، ۱۳۸۸ش: ۷۱۱) مهدویت یعنی؛ معتقد بودن به وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (جعفری، ۱۳۸۹ش: ۵۲؛ یحیی‌الأمین، ۱۳۸۷ش: ۷۱۱) و «مسئله مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از بدیهی‌ترین مسائل اعتقادی مسلمانان - به ویژه شیعیان - است. زیرا، در صدها آیه و روایت نبوی به طور مبسوط در این مورد سخن به میان آمده است» (خوشنویس، ۱۳۸۰ش: ۲۴۰).

### ۲. فرق

فرق جمع فرقه، به معنی گروهی از مردم (ابن‌درید، ۱۹۸۸م: ج ۲، ۷۸۵) که دارای عقاید خاص (تونه‌ای، ۱۳۸۸ش: ۵۳۸) و یا فرقه‌ای که از دین عاقل باشد (دهخدا، ۱۳۷۷ش: ج ۱۱، ۱۷۰۹۵) و نیز، جماعت دور شده از مردم می‌باشند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷ش: ۳۷۹) به عقیده ماکس وبر؛<sup>۱</sup> «فرقه توده و گروهی کوچک است که هدف آن سرزنش حکم‌فرمایی جهان است و رهبرانش در پی یافتن اعضای خامی هستند» (هاشمیان‌فر و حالک، ۱۳۹۳ش: ۱۲۳).

### ۳. انحراف

انحراف از چیزی به معنای برگشتن از آن است (ابن منظور، ۱۴۱۰ق: ج ۹، ۴۴) و از ریشه (ح ر ف) به معنای روی گرداندن (ابن سیده، ۱۴۲۱ق: ج ۳، ۳۰۷) می‌باشد. بنابراین، "فرق انحرافی" به

1. Karl Emil Maximilian "Max" Weber

دسته‌ها یا گروه‌های کوچک و بزرگی از مردم گفته می‌شود که از اعتقادات صحیح، به عقاید عاقل و باطل گرویده‌اند و درصدد توسعه و ترویج این عقاید برآمده‌اند. البته، «فرقه‌های انحرافی که در اسلام به وجود آمده‌اند بسیارند، ولی در میان فرقه‌های انحرافی که به موضوع مهدویت ارتباط دارند، سه فرقه در ایران شهرت دارند که عبارتند از: "شیخیه"، "باییت" و "بهائیت"» (بالادستان و همکاران، ۱۳۹۴ش: ۲۰).

#### ۴. استعمار

استعمار از باب استفعال به معنای: طلب عمارت (قرشی، ۱۴۱۲ق: ج ۵، ۴۲) کسب عمران و آبادی (فراهیدی، ۱۳۸۳ش: ج ۲، ۱۳۷) و گفته شده که استعمار به معنای آباد کردن یک کشور به ظاهر و غارت و چپاول آن در نهان است. به عبارت دیگر، استعمار؛ از ریشه «عمر» به معنای: طلب آبادانی کردن و آبادانی خواستن می‌باشد. در اصطلاح سیاسی نیز تسلط مملکتی قوی بر مملکتی ضعیف به قصد استفاده از منابع طبیعی و ثروت کشور به بهانه ایجاد آبادی می‌باشد (معین، ۱۳۷۵ش: ۲۵۲).

#### معرفی اجمالی مهم‌ترین فرق منحرف

با این که «آغاز شکل‌گیری مدعیان دروغین، بیشتر به دوران محمد بن عثمان - نائب دوم امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف - برمی‌گردد» (سلیمیان، ۱۳۸۷ش: ۱۷۱) اما، با توجه به اهمیت یافتن بیش از پیش این موضوع در دوران کنونی و ساختار قوی و نقش اضلال‌گر و نگران‌کننده فرقه‌های تشکیل‌یافته و معاصر با بحران‌های موجود در کشورهای اسلامی و منطقه، و حمایت دول استکبار از آنان، در ذیل به معرفی برخی از این فرق مشهور می‌پردازیم؛

#### شیخیه و کشفیه

شیخ احمد احسائی (۱۱۵۷-۱۲۴۲ق) مؤسس فرقه شیخیه است. و پیروان این فرقه معتقد به «رکن رابع» هستند، زیرا معتقدند: چون خدا و پیامبران و امامان از جنس بشر نیستند، نیاز به رکن چهارمی هست که رابط میان آنها و انسان‌ها باشد (خوشنویس، ۱۳۸۰ش: ۲۴۷). شیخ احسائی در یکی از کتاب‌هایش به خلفا حمله کرد، به همین سبب حکومت عثمانی (حکومت وقت عراق) به کربلا یورش و همه جا را ویران کرد. به جز خانه سیدکاظم رشتی، شاگرد شیخ و خود شیخ احسائی هم در امان بود. سیدکاظم رشتی، شاگرد شیخ احمد احسائی مؤسس این

فرقه بود (۱۲۱۲ق). وی مروج عقاید استادش بود و به سبب جرأت در اظهار عقاید یا به خاطر اسباب و سیاست مداران خارجی به عنوان رئیس انتخاب شد. وی خود را رکن رابع می نامید و معتقد بود فقط خودشان شیعه کامل هستند (خوشنویس، ۱۳۸۰ش: ۲۴۸) وی مهدویت را به صورت موهوم مطرح می کرد. مثلاً می گفت: «الآن مهدی در بین شماست». به همین خاطر افکار خرافاتی بین شاگردانش رواج پیدا کرد. و به سبب افکار خرافه گونه اش، شاگردش (علی محمد باب) ادعا کرد: من باب امام زمان هستم. و مدتی بعد نیز ادعا کرد: «من خود مهدی هستم» (خوشنویس، ۱۳۸۰ش: ۲۴۹؛ فضایی، ۱۳۵۴ش: ۸۸؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۹ش: ۲۳۸) و در آخر هم ادعای نبوت و خدایی کرد و بدین شکل زیربنای باییت شکل گرفت. و زمام امور به دست "میرزا یحیی صبح ازل" افتاد (حسن لو، ۱۳۸۶ش: ۱۸۴).

#### باییت و بهائیت

سیدعلی محمد شیرازی (۱۲۳۵ق) مؤسس فرقه بابیه و شاگرد سیدکاظم رشتی بود. او به سبب افکار خرافه گون استادش، ادعا کرد که: «من باب امام زمان هستم» و مدتی بعد نیز ادعا کرد: «من خود مهدی هستم» (خوشنویس، ۱۳۸۰ش: ۲۴۹؛ فضایی، ۱۳۵۴ش: ۸۸؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۹ش: ۲۳۸) میرزا علی محمد (۱۲۳۵-۱۲۶۶ق) معروف به "باب" (امینی، ۱۳۹۰ش: ۹ و ۲۵؛ الامین، ۱۳۷۸ش: ۶۹) در سال ۱۲۶۰ق با گفتن "من همان قائم حقی هستم که شما به ظهورش وعده داده شده اید"، (تاریخ ظهورالحق، بی تا: ۳۷۱؛ به نقل از: ربانی گلیپایگانی، ۱۳۸۱ش: ۳۴۴؛ امینی، ۱۳۹۰ش: ۲۰) ادعای قائمیت نمود (ثابت راسخ، ۱۳۹۲ش: ۱۱۷). به دنبال ادعای میرزا علی محمد به عنوان "رکن رابع ایمان" یا "باب امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ"، [برخی از مردم] به او گرویدند (امینی، ۱۳۹۰ش: ۱۱). مؤسس این فرقه [بهائیت] یکی از شاگردان محمدعلی باب به نام "میرزا حسین علی نوری"، برادر میرزا یحیی بود که مدعی شد: «من همان "من یظهره الله" که باب در کتاب "بیان" خبر از ظهور او داده هستم» (هاشمیان فر و حالک، ۱۳۹۳ش: ۱۲۴). این ادعا موجب اختلاف میان دو برادر گردید و خون های زیادی در این راه ریخته شد، که حکومت وقت عراق (حکومت عثمانی) میرزا یحیی و پیروانش را به "قبرس" و میرزا حسین علی و پیروانش را به "عکا" در فلسطین تبعید کرد (حسن لو، ۱۳۸۶ش: ۱۸۴). «در این میان میرزا حسینعلی ادعای قائمیت و سپس ادعای نبوت و در نهایت ادعای الوهیت کرد» (رتوفی، ۱۳۸۹ش: ۶) و نامه ای به سران جهان نوشت و آنها را به آئین خود دعوت

نمود (حسن لو، ۱۳۸۶ش: ۱۸۵). از نظر بهائیان، قیامت یعنی قیام امام زمان، و چون بهاء‌الله (حسینعلی نوری) را امام زمان می‌دانند، پس قیامت از نظر آنان سپری شده است (رئوفی، ۱۳۸۹ش: ۸۹) در حقیقت، بهائیت زائیده بابتی است و بابتی از کشفیه و کشفیه هم از شیخی‌گری است (خوشنویس، ۱۳۸۰ش: ۲۴۲؛ عابدی، ۱۳۸۰ش: ۲۹۶). البته بابت و بهائیت دو فرقه شناخته شده‌اند که کسی در انحراف آنها از اسلام، تردیدی ندارد و پیروان این دو فرقه، دیدگاه‌های مخالف با اسلام و قرآن را آشکارا بیان می‌کنند؛ و شیخیه با انحراف در بعضی از امور اعتقادی، زمینه‌ساز ظهور بابت و بهائیت شد و مؤسسان این دو فرقه، براساس بعضی از عقاید غلط شیخیه به ادعاهای باطل روی آوردند. "علی محمد باب" شیرازی (رهبر بابت) خود از پیروان و شاگردان "سیدکاظم رشتی" بود و "میرزا حسینعلی نوری" (رهبر بهائیت)، بزرگان شیخیه را مبشران ظهور خود می‌دانست (بالادستان و همکاران، ۱۳۹۴ش: ۲۰).

#### قادیانیه

"میرزا غلام احمد" (۱۲۵۵-۱۳۲۶ق)، فرقه قادیانیه را در هندوستان تأسیس کرد (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۱ش: ۳۵۱). غلام احمد مدعی شد که همزمان، هم مسیح و هم مهدی موعود است (الأمین، ۱۳۷۸ش: ۲۱۷). در رساله او که به سال ۱۳۴۴ق چاپ شده آمده است: خداوند مرا در آغاز این قرن به عنوان احیاگر و تجدیدکننده اسلام، برانگیخت. او مرا بنده‌ای برای حفظ مصالح امت قرار داد... و از سر فضل و رحمت، مرا مسیح بن مریم خواند... و خدایم به شیوه‌های روحانی مرا عیسی بن مریم قرار داد. از مهم‌ترین نعمت‌های او این است که راز خود را که تنها برای اولیای خود آشکار می‌شود و روح خود را که جز در برگزیدگان دمیده نمی‌شود، به من سپرد و فرمود: تو زیاروی محضر من هستی و تو را برای خود اختیار کردم... و بدانید که فضل خدا با من است و روح خداست که با من سخن می‌گوید (الأمین، ۱۳۷۸ش: ۲۱۸).

#### انجمن خیریه حجتیه

این انجمن مقارن با کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، توسط شیخ محمود ذاکرزاده تولایی، معروف به "شیخ محمود حلبی" تأسیس گردید (صدقی، ۱۳۸۸ش: ۱۳۲) و برخلاف حرکت اسلام سیاسی و انقلابی، با شعار جدایی دین از سیاست نیروی خود را مصروف عوامل فرعی کرده است و از مبارزه با اصل و ریشه فساد غافل ماند و به همین جهت مورد استقبال

دربار قرار گرفت (همان: ۱۳۳). از مهم‌ترین فعالیت‌های این انجمن: مبارزه با بهائیت (سلیمیان، ۱۳۸۷ش: ۱۹۷) تنها در بعد فکری (نه بعد سیاسی) و ایجاد دافعه نسبت به اهل تسنن (صدقی، ۱۳۸۸ش: ۱۳۷) و مبارزه با مارکسیسم (همان: ۱۴۸) بود. اعضای این فرقه معتقدند هرگونه اصلاح امور قبل از ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف سبب تأخیر در ظهور ایشان است (همان: ۱۵۹).

### یمانی

از امامین صادقین علیه السلام نقل شده که فرمودند:

یکی از علائم حتمی قبل از ظهور حضرت حجت علیه السلام، خروج یمانی است... پرچمی از پرچم او باهدایت تر نیست... و هر کسی با او معارضا کند اهل آتش است. چون به سوی حق و به راه راست هدایت می‌کند... (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۵۲-۲۵۵؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۶۱-۴۵۷؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۶۵۱-۶۵۰؛ مجلسی، بی‌تا: ج ۵۲، ۱۹۲).

وجود روایات مذکور و برخی روایات دیگر در موضوع قیام‌های آخرالزمان و معرفی برخی ویژگی‌های قیام یمانی باعث شد تا شخصی به نام احمد الحسن بصری در شهر بصره و در کشور عراق با دستبرد به شجره‌نامه‌ها و نسب‌تراشی به نفع خود، به عنوان یکی دیگر از مدعیان دروغین مهدویت شروع به تبلیغ و گردآوری طرفداران پردازد.

جریان احمد الحسن درون شیعی و از تازه‌ترین (۲۰۰۳ میلادی) فرقه‌های دروغین مهدویت است. احمد اسماعیل بصری، سه ادعای اصلی و ده‌ها ادعای فرعی دارد. نویسنده کتاب *القصم* بیش از پنجاه ادعای او را برشمرده است (آل محسن، ۱۴۳۴ق: ۹-۱۰). این فرقه که یکی از جریان‌های خطرناک در موضوع مهدویت است، به دلیل بعضی ویژگی‌ها، متمایز از سایر مدعیان. از سویی، در چند سال اخیر، فعالیت‌های تبلیغی این جریان در اشکال مختلف تبلیغی افزایش یافته و از سوی دیگر، گرایش بعضی از مذهبی‌ها به این جریان، حساسیت موضوع را افزایش داده و لذا ضرورت نقد و بررسی این جریان و نشان دادن اشکالات آن را دوچندان می‌کند. احمد الحسن بصری که مدعی است مهدی اول و یمانی موعود است، خود را همانند دیگر امامان: بهره‌مند از علم الهی و از هرگونه اشکال و اشتباه مصون می‌داند؛ در حالی که کتاب‌های وی مشحون از اشتباهات قرآنی، فقهی، کلامی و فلسفی است (کریمی و شاکری زواردهی، ۱۳۹۶ش: چکیده). احمد الحسن و پیروانش علم رجال را به شدت رد نموده

و کسانی را که روایت‌های ضعیف را کنار می‌گذارند، متهم به رد کردن کلام اهل بیت می‌کنند (آل محسن، ۱۴۳۴ق: ۱۵؛ کریمی و شاکری زواردهی، ۱۳۹۶ش: ۷۴-۷۲).

### علل پیدایش و رشد فرقه‌های انحرافی

کاستی‌های موجود، گرایش به معنویت، مسایل سیاسی، تجربه لذت معنوی و خلأ معلومات مورد نیاز دینی (عشقی، ۱۳۸۹) ایجاد انحراف در اندیشه‌های اصیل و ناب اسلامی توسط استعمارگران (دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، ۱۳۸۹ش: ۷) مبارزه با روحانیت (صدقی، ۱۳۸۸ش: ۱۲۹؛ الساده، ۱۳۵۷ش: ۱۷) دین‌سازی توسط استعمارگران، ضربه زدن به اسلام و آموزه‌های تشیع، خارج کردن دین از حوزه اجتماعی و در رأس آن سیاست و حکومت، توجیه حضور استعمار در کشور به عنوان یگانه عامل تجدد و ترقی، تثبیت نیروهای غربگرا در ارکان سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کشور، از بین بردن وحدت ملی و انسجام اسلامی و جدایی دین از سیاست (نامدار، ۱۳۸۷ش: ۸-۱)، جهل عوام و نادانی مردم ظاهربین و بی‌بصیرت (نصوری، ۱۳۸۲ش: ۵)، تطبیع مالی مستمندان توسط رهبران فرق انحرافی، استفاده از زنان زیبارو جهت به دام انداختن جوانان، ایجاد عشق مجازی و سوق دادن آهسته جوانان به این فرق (حسن‌لو، ۱۳۸۶ش «ب»: ۱۹۲)، انحطاط در عرصه معنویت (دانش‌پژوه، ۱۳۹۰ش: ۲۹) و همچنین، عدم انسجام و هماهنگی برای برخورد کارشناسانه و قانونی با این تشکل‌ها، نابه‌سامانی و مشکلات اجتماعی و فرهنگی و فشارهای روحی و روانی افراد در جامعه، عوامل سیاسی و تاریخی، بدعت در مناسک دینی و عزاداری‌های مذهبی، رواج برخی ورزش‌های خاص در جامعه مانند: یوگا و... را می‌توان از دیگر عوامل تأثیرگذار و دخیل ذکر کرد.

#### ۱. جهل و نادانی عوام

یکی از مهم‌ترین عوامل پیدایش و رشد اندیشه‌ها، مکتب‌ها و حکومت‌ها در طول تاریخ، سوءاستفاده از جهل و نادانی عوام که البته خود معلول عوامل دیگر بوده است. خلأ معلومات مورد نیاز دینی و تجربه لذت معنوی (عشقی، ۱۳۸۹) «جهل و ناآگاهی مردم» (نصوری، ۱۳۸۲ش: ۵) «به دلیل خلأهای به وجود آمده از نحوه آموزش و برداشت‌های دینی و مذهبی» (پوراکبر، ۱۳۹۳ش: ۱۴) عاملی مهم در این زمینه بود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

علم و دانایی، ریشه هر خیر و جهل و نادانی، ریشه هر بدی است (آمدی، ۱۳۸۵ش: ۵۷).

ح ۸۶۰ و ۸۶۱).

همچنین، امام باقر علیه السلام می فرمود:

تنها کسی خدای عزوجل را شناسد و پرستش کند که هم خدا را بشناسد و هم امام از ما خاندان را و کسی که خدای عزوجل را نشناسد و امام از ما خاندان را نشناسد، غیر خدا را شناخته و عبادت کرده. این چنین به خدا گمراه اند (کلینی، بی تا: ج ۱، ۲۵۶، ح ۴).

ناآگاهی های مردم ایران در زمان قاجاریه، یکی از مهم ترین علل گرایش عده ای به سید علی محمد باب بود. مرحوم آیت الله حاج شیخ حسین لنکرانی رحمته الله علیه بر این باور است: بایان فداکار و جانفشان اولیه که در قیام های خونین زمان باب شرکت داشتند و خود را به آب و آتش می زدند، بابی و بهایی (به معنایی که امروزه از این کلمات مراد می کنیم) نبودند؛ بلکه شیعیانی ساده لوح و ره گم کرده بودند که در تشخیص «مصدق» به خطا رفته، به عشق هواداری از صاحب الزمان و قائم موعود، اسیر مثنی بازیگران سیاسی شده بودند (عبداللهی، ۱۳۷۱ ش: ۷۲).

#### الف) فهم غلط از آیات و روایات

همه فرق انحرافی که از اسلام منشعب شده اند به آیات و روایات استناد می کنند و در پی تحریف لفظی یا معنوی آیات و روایات هستند، از این رو دست به تقطیع، تأویل و باطن گرایی می زنند؛ یعنی یا با کم و زیاد لفظی یا معنوی و یا با تقطیع آیات و روایات به معنای مدنظر خودشان دست می یابند تا خودشان را اثبات کنند (امیری، ۱۳۹۴ ش). مثلاً: مبلغان اسماعیلی برای جلب اقوام بربر و بادیه نشین به مهدویت، احادیثی جعل کردند که طبق این احادیث، مهدی موعود از بین اقوام شیعه نشین ظهور خواهد کرد. بیشتر این احادیث، ظهور مهدی را از نواحی دوردست کشورها و کناره های سرزمین های آباد مانند: «زاب» در آفریقا و «سوس» در مغرب تعیین می کرد (ابن خلدون، ۱۳۶۳ ش: ۳۲۸) علت پیوستن مردم به مدعیان دروغین آن بود که می دانستند قرار است مهدی از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله ظهور کند و بساط ظلم و ستم را برچینند (هادیان، ۱۳۸۸ ش: ۲۰). آن چنان که در روایات بسیاری آمده و از آن جمله؛ حضرت رسول صلی الله علیه و آله می فرماید:

۱۰۹

مهدی از فرزندان من است برای او غیبت و حیرتی خواهد بود که مردم در آن گمراه شوند. او ذخیره پیامبران را خواهد آورد و زمین را پر از عدل و داد کند، همانگونه که پر از ظلم و جور شده باشد (ابن بابویه، ۱۳۸۸ ق: ج ۱، ۵۳۶).

لذا، تصور می کردند با پیوستن به این مدعیان، در برقراری آرمان قائمیت در فراگیری عدل

و داد در عالم، نقش سازنده‌ای دارند (هادیان، ۱۳۸۸ش: ۲۰).

### ب) سوءاستفاده دشمنان از عقاید و علاقه مردم به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه

اعتقاد راسخ مسلمانان، اعم از شیعه و سنی، به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه آن چنان فراگیر و گسترده است که منشاء سوءاستفاده‌های فراوانی در طول تاریخ بوده است (قندهاری، ۱۳۸۵ش: ۲۴) و از آن جا که ایران تنها کشوری است که مذهب رسمی اش تشیع است و مهد اعتقاد به مهدویت به شمار می‌رود، کوشش بیشتری برای مبارزه با ایمان و عقیده عموم مردم مسلمان ایران صورت می‌گیرد (گروه بهائی پژوهی، ۱۳۸۹ش: ۶۸) اما، بزرگ‌ترین مشکل استعمار برای حضور در کشورهای اسلامی - علاوه بر ماهیت سیاسی دین و سیاسی بودن مسلمانان - وجود برخی احکام حماسی و تحرک بخش اسلام مثل احکام جهاد بود. بهائیت از این جنبه نیز در خدمت استعمار قرار گرفت؛ برای نمونه، حسینعلی بهاء، همچون قادیانی در هند، مأموریت داشت یکی دیگر از احکام مترقی اسلام یعنی؛ حکم جهاد را متزلزل سازد، تا این مانع بزرگ نیز از راه استعمار برداشته شود. او می‌گوید:

این ظهور، رجعت کبری و عنایت عظمی است که حکم جهاد را در کتاب محو کرده است (اشراق خاوری، ۱۲۸ بدیع: ۲۱۷).

در باب مهدویت، عقیده شیعه این است که "مهدویت خاصه" صحیح و مقبول است؛ به این معنا که مهدی این امت، یک فرد معین است که موعود امت‌ها و ملت‌ها بوده و ابعاد و ویژگی‌های او مشخص است؛ ولی بعضی از صوفیه، قائل به "مهدویت نوعیه" بوده یا هستند؛ به این معنا که عقیده دارند در هر عصری و دوره باید یک مهدی وجود داشته باشد که ویژگی‌ها و خواص "مهدویت" و "هادویت" را داشته باشد. آنان بر این باورند که؛ هیچ عصری خالی از یک مهدی هادی نیست و ضرورتی هم ندارد که مشخص شود از نسل چه کسی است و چه خصوصیتی دارد؟ (نفیسی، ۱۳۷۳ش: ۵۷)

### ج) توطئه و عوام فریبی

الف) در عوام فریبی مطلب، چنان به فرد القا می‌شود که می‌پندارد همه اطرافیان آن را پذیرفته‌اند و نپذیرفتن آن، جا ماندن از کاروان است (خندان، ۱۳۸۰ش: ۷۵).

ب) کشی عجل الله تعالی فرجه الیه معتقد است؛ «وفاداری مردم به احمدبن هلال عبرتایی» که در غیبت صغرا

۱. پیروان حسینعلی بهاء از تقویمی با نام «بدیع» پرده‌برداری کردند که هر ماهش ۱۹ روز و هر سالش ۱۹ ماه دارد.

ادعای نیابت کرد، عمدتاً از اعتقاد روحانی و درونی منشعب نمی‌شده؛ بلکه ناشی از ریاکاری‌های عرفانی او بوده است.»

## ۲. ضعف ایمانی اکثریت

نه تنها در روزهای پس از حضرت رسول ﷺ که در تمام زمان‌های بعد از ایشان، موضوع امامت، امتحان بزرگ این امت بود و هست و دامنه این امتحان و ابتلا آن قدر گسترده و ابعادش چنان وسیع است که انحرافات امت از مسیر واقعی و از امام حق، باعث فرقه‌گرایی‌ها و ایجاد صدها نحله فکری و مسلک‌های مذهبی در طول تاریخ اسلام شده است (دهقان، ۱۳۸۶ ش: ۱۶) مردم به علت وفا نکردن به عهد امامت دچار دوران غیبت شدند و از دیدار حضرتش محروم گشتند (موسوی حجازی، ۱۳۹۳ ش: ۹۸) و تا زمانی که مردم با اختیار خود از عصیان و ستم دست بر ندارند و خواهان حجت نگردند در آتش همین جهنمی که به پا شده و سراسر قتل و غارت و آدم‌کشی و جنگ و ویرانی و ننگ و تیره‌روزی و هزاران مصیبت خونبار دیگر است خواهند سوخت (همان: ۹۴).

## ۳. مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و مقدم داشتن منافع شخصی بر مصالح اجتماعی مسلمانان

تأملی در قیام فاطمیان که با ادعاهای مهدویت «عبیدالله المهدی» همراه بود و همچنین قیام و ادعای مهدویت «مهدی سودانی» در شمال آفریقا ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که نابه‌سامانی‌های اجتماعی و اقتصادی و فقر شدید مردم، بستر مناسبی برای طرح این گونه ادعاها و گرایش شدید مردم فراهم می‌ساخت (چلونگر، ۱۳۸۱ ش: ۲۲۱). مشکلات و نابه‌سامانی‌های موجود (عشقی، ۱۳۸۹ ش)، «اوضاع نابه‌سامان نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران در دوران قاجار نیز بستر اجتماعی مناسبی برای ظهور بابیه را فراهم ساخت. این اوضاع، در يك نگرش کلی عبارت بود از: انحطاط نظام سیاسی ایران؛ فساد زائدالوصف حکومت و نخبگان سیاسی؛ رقابت استعمار برای کسب منافع ملی مردم ایران؛ اعطای امتیازات گوناگون به بیگانگان و غارت ذخایر ملی؛ فقر عمومی و بی‌سوادی گسترده» (کاتوزیان، ۱۳۷۳ ش: ۷۶). آیا با چنین دلمشغولی‌ای می‌توان از چنین شخصی انتظار داشت در زندگی روزمره خود، سهم لازم دینداری را بپردازد و خود را در برابر اندیشه و نظرهای التقاطی حفظ کند. شاید راز آن که گفته شد: «فقر زمینه‌ساز کفر است» (کلینی، ۱۴۰۵ ق: ۲،

۳۰۷) همین باشد.

#### ۴. دخالت بیگانگان در امور مسلمین و پشتیبانی از عناصر وابسته

ایجاد انحراف در اندیشه‌های اصیل و ناب اسلامی توسط استعمارگران (دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، ۱۳۸۹ش: ۷) مبارزه با روحانیت (صدقی، ۱۳۸۸ش: ۱۲۹؛ الساده، ۱۳۵۷ش: ۱۷) دین‌سازی توسط استعمارگران، ضربه زدن به اسلام و آموزه‌های تشیع، خارج کردن دین از حوزه اجتماعی و در رأس آن سیاست و حکومت، توجیه حضور استعمار در کشور به عنوان یگانه عامل تجدد و ترقی، تثبیت نیروهای غربگرا در ارکان سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کشور (نامدار، ۱۳۸۷ش: ۲۰۱) از بین بردن وحدت ملی و انسجام اسلامی، جدایی دین از سیاست (همان: ۸ و ۳) برای شکستن وحدت اسلامی و کوبیدن قرآن کریم و روحانیت در ایران که مهد تربیت اهل بیت عصمت و طهارت است (موسوی خمینی، ۱۳۶۸ش: ۲۰۳) از جمله مهم‌ترین مداخله‌های بیگانگان و استعمارگران بوده است.

#### نقش استعمارگران در انحرافات مهدویت

استعمارگران با ایجاد پشتیبانی خود از فرق انحرافی در صدد ضربه زدن به پیکر تشیع، تخریب وحدت مسلمانان، اندیشه مهدویت و ایجاد جای پای محکمی برای خود در سرزمین‌های اسلامی بودند. تا ذخایرشان را به یغما ببرند (حسن‌لو، ۱۳۸۶ش «الف»: ۱۸۵). بهائیت یک پدیده سیاسی و شبه جاسوسی بود (صدقی، ۱۳۸۸ش: ۱۳۹؛ حسن‌لو، ۱۳۸۶ش: ۱۸۶) و دو فرقه بابیت و بهائیت (به خصوص بهائیت) برای ادامه حیات و فعالیت‌شان، نیاز به نقطه اتکایی داشتند، و آن نقطه اتکا چیزی نبود جز دولت‌های استکباری و صهیونیستی جهان، از روس‌تزاری و انگلستان تا آمریکا و اسرائیل و رژیم پهلوی، که پیوند دیرین و مستمری با هم داشتند. در اسناد معتبر تاریخی و حتی متون مهم خود این دو فرقه نیز شواهد انکارناپذیری درباره آن وجود دارد (حق پرست، ۱۳۸۸ش: ۳۳۴-۳۳۱) خانم مهناز رئوفی از جمله افرادی است که از بهائیت به دامن اهل بیت علیهم‌السلام بازگشته، وی می‌گوید:

بهائیت دست در دست دشمن دیرین اسلام، اسرائیل، گذاشت و معبدش را در آن‌جا تأسیس کرد، از انگلیس نشان «سر»<sup>۱</sup> گرفت و آبشخورش به وسیله آمریکا پر شد (رئوفی، ۱۳۸۹ش: ۱۸۵).

## ۱. در ایجاد فرقه‌های انحرافی

با مختصر تأملی در اوضاع و شرایط داخلی ایران در دوره قاجار (زمان پیدایش و ظهور بابی‌گری) روشن می‌گردد که دولت‌های استعمارگر روس و انگلیس بر سر منافع و امتیازات در ایران، در رقابت با یکدیگر بودند و در نهایت درصدد برآمدند ایران را بین خود تقسیم کنند، به گونه‌ای که بعد از برقراری مشروطه در دوره مجلس اول، قرارداد ۱۹۰۷ م و تکمله‌های سری آن در ۱۹۱۵ م نشان می‌دهد که آنان به این توافق، که شمال از آن روسیه و جنوب در اختیار انگلیس باشد، رسیده بودند (مدنی، ۱۳۸۱ ش: ۷۱-۷۳). صهیونیسم و بهائیت از اندیشه‌های امپریالیسم و استعمار به منظور سرکوب مسلمانان و از بین بردن فرهنگ اسلام به وجود آمده‌اند؛ صهیونیسم برای آشوبگری در بین ادیان و بهائیت برای از بین بردن اندیشه امید به آینده در بین مسلمانان به وجود آمده است. به همین علت تشیع را که معرف مصداق حقیقی منجی بشریت است، آماج تیرهای خود قرار داده و اندیشه بهائیت را در ایران و سایر بلاد اسلامی رواج داده‌اند (حسن‌لو، ۱۳۸۶ ش «الف»: ۱۸۳) دشمن از هر حربه‌ای استفاده می‌کند تا جلوی رشد تفکر مهدویت را در جامعه اسلامی بگیرد و یا آن را تحریف کند (بالادستان و همکاران، ۱۳۸۷ ش: ۴) از سوی دیگر، مردم از جنگ‌های سختی که در سال‌های پیش از ظهور جنبش باب، بین ایران و روسیه تزاری وجود داشت و نیز بی‌کفایتی دولت‌های قاجار، خسته و افسرده شده بودند و به دنبال پناهگاهی معنوی می‌گشتند. لذا، حالتی پیش آمده بود که همه در انتظار فرج امام زمان عجل الله تعالی به سر می‌بردند تا ملت اسلام را از یوغ ظلم روسیه تزاری و چپاول‌های انگلیس و دولت حاکم نجات دهد، این زمینه‌ها و عوامل باعث شد که عده‌ای از مردم با شنیدن ادعاهای باب و پیروانش به آنان گرایش پیدا کنند و به جای پناهگاه صحیح، به پناهگاه کاذب روی آورند (زعیم‌الدوله تبریزی، ۱۳۴۶ ش: ۱۱۸-۱۱۹).

## ۲. در جهت دهی به فرقه‌های انحرافی

دولت‌های استعماری برای مقابله با نفوذ و گسترش اسلام و جلوگیری از بسط قلمرو حکومت اسلام و اجرای طرح‌های استعماری خود در خاورمیانه و آسیا به اقدامات مختلف روی آوردند (موثقی، ۱۳۹۴ ش: ۷۳-۷۶) آنان وقتی دیدند با ایجاد باییت به اهداف خود نرسیدند روی این دو برادر (میرزا یحیی صبح‌ازل و میرزا حسینعلی بهاء) سرمایه‌گذاری کردند که در صورت شکست یکی، دیگری به هر قیمتی طرح آنان را اجرا کند. لذا، بهائیت را مطرح کردند و

به سرعت به تشکیل و حمایت از آن پرداختند (حسن‌لو، ۱۳۸۶ش «ب»: ۱۸۶) و با برنامه‌های دقیقی به ایجاد آشوب در عقاید مردم، ایجاد دین جدید و در نهایت ادعای قائمیت، نبوت و الوهیت پرداختند (همان، ۱۳۸۶ش «الف»: ۱۸۴).

### ۳. ر بهره‌برداری از فرقه‌های انحرافی

دول استعماری جهت دستیابی به مناطق استراتژیک و نفت خیزی مثل: ایران، عراق و... به این نتیجه رسیدند که؛ باید با انگیزه تداوم وحدت شیعیان که همان مرجعیت و اندیشه مهدویت بود به مبارزه بپردازند و آنها را نابود کنند (حسن‌لو، ۱۳۸۶ش: ۱۸۶) تا به فکر جهاد و دفاع از خویش بر نیایند.

#### الف) روسیه

عباس افندی و شوقی افندی - که هر دو از پیشوایان مشهور بهائیت اند - در مقالات خود به ارتباط‌شان با روسیه تصریح دارند (حق پرست، ۱۳۸۸ش: ۳۳۶). همچنین، دیوید روح (از مورخان شاخص بهائیت) صریحاً به موضوع تحت‌الحمایگی بهاء توسط روسیه تزاری و مقاصد امپریالیستی روس‌ها از دخالت در امر بهاء اعتراف دارد (همان: ۳۳۸). حمایت دولت روسیه تزاری از بابیان و بهائیان از همان زمان پیدایش علی محمد شیرازی دامنه دار شد. تا آن‌جا که طبق مدارکی که توسط خود بهائیان و بابیان ارائه شده به نظر می‌رسد بعد از تبعید بابیان از ایران آن دولت شرایطی برای این فرقه در درون روسیه فراهم آورد (افراسیابی، ۱۳۶۶ش: ۱۲۳). در جریان تقویت فرقه بهائیت، نقش و ارتباط دولت روس در حمایت از این فرقه، به مخفی کردن باب در قصر خورشید (فیض، ۱۳۸۷ش «الف»: ۴۴) پیگیری کنسول روس در تبریز و تلاش وی برای جلوگیری از اعدام باب (رهنمائی، ۱۳۹۵ش: ۱۰۶) امتناع سفیر روس از تحویل بهاء‌الله به مأموران دولتی (همان: ۱۰۷) و او را "امانت گرانبها" دانستن (فیض، ۱۳۸۷ش «الف»: ۲۹)، تشکر میرزا حسینعلی (بهاء‌الله) از اعلی حضرت امپراتور روسیه (حسینی طباطبایی، ۱۳۸۰ش: ۱۴۰) در بستر دشمنی ایران و روسیه (فیض، ۱۳۸۷ش «الف»: ۴۰)، قابل توجه می‌باشد. براساس اعتراف بسیاری از طرفداران فرقه بهائیت، حمایت روس‌ها هرگز از اعضای آن قطع نشد (حسن‌لو، ۱۳۸۶ش «الف»: ۱۸۴) با فروپاشی امپراتوری تزاری در اواخر جنگ جهانی اول و ظهور دولت انقلابی شوروی در آن کشور - که به بهائیان، به چشم «زائده» دولت تزاری می‌نگریست - این فرقه نقطه اتکای پیشین را از دست داد و انگلیس نقطه اتکای این فرقه گردید (ولایتی و

همکاران، ۱۳۸۹ش: (۶۱).

#### ب) انگلستان

پس از انقراض امپراطوری روسیه، بهائیت، کاملاً مورد بهره‌برداری امپراطوری بریتانیای کبیر، قرار گرفت (حبیبی، ۱۳۹۴ش: ۵۳). عبدالبهاء به خاطر خدماتی که به قوای اشغالگر انگلیس در فتح فلسطین می‌کند (فیض، ۱۳۸۷ش «ب»: ۵۶) به دریافت لقب پهلوانی<sup>۱</sup> (همان: ۴) و سر از انگلستان نائل شد و از این پس بهائیان در کادر سیاسی انگلیسی‌ها وارد گردیدند (رهنمائی، ۱۳۹۵ش: ۱۰۹). ارتباط انگلیس و بهائیان به گونه‌ای بود که اگر سفارت انگلیس می‌خواست از ایرانیان استخدام کند، حتماً باید یهودی، ارمنی یا بهائی باشند. و همچنین بهائیان در دوران قیمومیت بریتانیا بر فلسطین، به مقامات حساس دولتی گمارده شدند (حق پرست، ۱۳۸۸ش: ۳۴۶) و سفیر روس معترف است که انگلیس اختلاف بین دو برادر (صبح ازل و بهاء) را به راه انداخت تا هدف میرزا حسینعلی با فراهم آوردن بستری مناسب عملی شود (حسن لو، ۱۳۸۶ش: ۱۸۴) "سرهربرت ساموئل" که نسبت به بهائیان و عباس افندی توجه خاصی داشت و در تشیع جنازه وی شرکت کرد. بهائیان در ماجرای تصرف فلسطین و اشغال آن توسط انگلیس، جاسوسی انگلستان را برعهده گرفتند (افراسیابی، ۱۳۶۶ش: ۱۵۶).

#### ج) آمریکا

با آن که مؤسسين فرقه بهائیت از ابتدا روسیه و انگلیس بودند، اما پس از مدتی آمریکا به عنوان استعمار جدید و تازه نفس به میدان آمد به نحوی که با ذکر شواهد متعدد تاریخی می‌توان از آمریکا به عنوان مهم‌ترین عامل حفظ و گسترش بهائیت نام برد. اسناد به دست آمده از لانه جاسوسی آمریکا به صراحت حاکی از حمایت و پشتیبانی آمریکا و به خصوص سرویس‌های جاسوسی آنها از بهائیان است که در این راه برای منحرف کردن افکار عمومی همواره از مسیحیان صهیونیست مدد گرفته‌اند. آمریکائیان همچنین، با روی کار آوردن مهره‌های خود زمینه حضور و رسمیت یافتن بهائیان در ممالک اسلامی را فراهم آوردند. از جمله در مصر که در زمان جمال عبدالناصر بهائیان به رسمیت شناخته نشدند و فعالیت‌شان غیرقانونی بود. اما، با روی کار آمدن انورسادات از آزادی برخوردار شدند (کیهان، ۱۳۸۹ش: ۱۴۶-۱۴۲) یکی از اعضای هیئت رئیسه "انجمن تربیتی ایران و آمریکا"، میرزا احمدخان

سهراب اصفهانی، از سران شاخص بهائیت و از همراهان عباس افندی در سفر آمریکا بود که وی را در بازگشت به فلسطین بدرقه کرد (مازندرانی، ۱۳۴۶ ش: ۱۴۲-۱۴۳). عباس افندی در سال ۱۹۱۳ م سفری به آمریکا داشت و در محافل گوناگون به ایراد سخن پرداخت. او این نکات را مکرراً تکرار می‌کرد: «نفی هرگونه تعصبات میهنی؛ عادلانه عمل کردن حکومت آمریکا؛ غنی بودن ایران از نظر منابع زیرزمینی (نفت)؛ دعوت از سرمایه‌داران آمریکا برای استخراج این منابع». اینها زمینه‌ساز ورود آمریکایی‌ها به رأس حکومت ایران شد. بعدها نیز، پیوند بهائیت و آمریکا شدت می‌یابد و در دو دههٔ واپسین حکومت محمدرضا پهلوی به بالاترین حد خود در ایران ارتقا می‌یابد (حق پرست، ۱۳۸۸ ش: ۳۵۲). در سفری که عبدالبهاء در اواخر عمر خود به آمریکا داشت خطاب به سران آمریکائی می‌گوید:

امشب من نهایت سرور را دارم که در چنین مجمع و محفلی وارد شدم. من شرقی هستم، الحمد در مجلس غرب حاضر شدم و جمعی را می‌بینم که در روی آنان، نور انسانیت در نهایت جلوه و ظهور است. ممکن است ملت شرقی و غرب متحد شوند و ارتباط تام میان آمریکا و ایران حاصل گردد (خطابات عبدالبهاء، ج ۱، ۳۳).

این بیانات به ظاهر زیبا و فریبنده، نشان از خیانت بزرگ سران بهائی به ایران و ایرانی است که استعداد و توانایی ملتی بزرگ و مؤمن در مسیر شکوفایی اقتصادی را انکار کرد، و آشکارا بیگانگان را به غارت و چپاول منافع آنها فرامی‌خواند؛ چنان‌که در همان زمان، "نبیل‌الدوله" منشی عباس افندی و یکی از رؤسای بهائیت در آمریکا نقش مهمی در اعزام «شوستر» مستشار آمریکایی به ایران داشت و به این شکل، پای کمپانی‌های آمریکائی را به ایران باز کرد (موجانی، ۱۳۸۴ ش: ۱۵۵). از آن‌جا که روابط بین بهائیان با دولت آمریکا و نوع نگاه ایشان به این کشور از دیرباز بسیار حسنه بوده است (رهنمائی، ۱۳۹۵ ش: ۱۱۲)، با تعطیلی و اعلام ممنوعیت فعالیت تشکیلات بهائی در ایران از سوی دادگاه انقلاب اسلامی، رئیس‌جمهور وقت آمریکا صراحتاً به حمایت از بهائیان دستگیر شده پرداخت و امام خمینی رحمته‌الله‌علیه جانب‌داری آمریکا از بهائیان را دلیل بر وابستگی سیاسی آنان به امپریالیسم آمریکا شمرد (همان: ۱۱۴).

#### د) اسرائیل غاصب و یهود

استعمارگران مأمور حمایت از اندیشه بهائیت بودند، لذا میان بهائیت و صهیونیسم پیوندهایی وجود دارد که از جمله آنها مرکزیت بهائیت در قلب اسرائیل است (حسن‌لو،

۱۳۸۶ش: ۱۸۳). به گواه تاریخ، روابط سران بهائیت با صهیونیسم، پیشینه‌ای بس درازتر از عمر رژیم اسرائیل دارد (شکیبا، ۱۳۸۶ش: ۳۱). به عنوان مثال: «دوران زمامداری عبدالبهاء و جانشینش شوقی، مقارن با جنبش صهیونیسم می‌باشد» (حبیبی، ۱۳۹۴ش: ۱۱۸) و «عبدالبهاء به عقیده صهیونیست‌ها در تشکیل دولت اسرائیل در فلسطین اشغالی معتقد بود» (همان: ۱۳۷). او کمک زیادی به صهیونیسم جهت اشغال فلسطین کرد و بعد از مرگش این خدمات توسعه یافت. پس از تأسیس حکومت غاصب اسرائیل، این ارتباط افزایش چشمگیری پیدا کرد (حق پرست، ۱۳۸۸ش: ۳۵۸). پیداست در برابر خدمات بهائیت، دولت اسرائیل هم بیکار نمی‌نشیند و به گونه‌های مختلف از این فرقه حمایت می‌کند؛ به طوری که شوقی افندی می‌گوید: «دولت اسرائیل وسائل راحتی ما را فراهم کرد» (همان: ۳۵۹). بهائیان [که] علاقه و روابط خاصی با دولت اسرائیل داشته و دارند و براساس همین علاقه با تجار یهودی نیز متحد هستند و در مبارزه علیه جمهوری اسلامی ایران، به صورت همگام عمل می‌کنند. پس از تشکیل دولت غاصب اسرائیل، سران جریان صهیونیسم، بهائیت را به عنوان دین به رسمیت شناختند و اجازه دادند تا نخستین معبد بهائیان به نام «مشرق الاذکار» در آن جا ساخته شود. و بهائیان با سیستم‌های جاسوسی ارتباط تنگاتنگی داشتند و زمینه‌ساز حضور یهودیان صهیونیست در اسرائیل بودند (کیهان، ۱۳۸۹ش: ۱۳۳-۱۳۴). شوقی افندی در نامه رسمی به رئیس کمیسیون مخصوص سازمان ملل متحد در مورد قضیه فلسطین علنا موقعیت و علایق بهائیان و یهودیان (صهیونیسم) را به سرزمین مذکور ریشه دارتر و مهم‌تر از علایق مسلمانان به قدس و فلسطین خواند (افراسیابی، ۱۳۶۶ش: ۱۵۷) و «حیفا در فلسطین اشغالی مرکز جهانی جامعه بهایی و مقر بالاترین شورای اداری جهانی بهایی به نام بیت‌العدل اعظم است (حوزه علمی قم، ۱۳۸۹ش: ۲۰۱). گفتنی است که پیوند بیشتر و آشکارتر بهائیان و یهود به سال ۱۸۶۸م برمی‌گردد که حسینعلی نوری (بهاء) - مؤسس بهائیت - و همراهانش به "بندر عکا" در فلسطین منتقل شدند و زمینه مناسبی برای نزدیکی و همکاری بیشتر بهائیان و کانون‌های صهیونیستی فراهم شد و در دوره عبدالبهاء به مشارکت جدی بهائیان در تأسیس دولت غاصب اسرائیل منتهی شد (خدری‌زاده، ۱۳۷۷ش: ۲۴).

#### هـ) رژیم پهلوی

بهائیت در کودتای انگلیسی سال ۱۲۹۹ش که به تأسیس رژیم پهلوی انجامید نقش داشت.

این رابطه مستمر بود و در دو دههٔ آخر سلطنت محمدرضا، بهائیان به بالاترین مقامات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی دست یافتند (حق پرست، ۱۳۸۸ش: ۳۶۱) به گونه‌ای که حضور سران فرقهٔ ضاله در مصادر مهم زمینه‌ساز بستری مناسب برای گسترش فعالیت تبلیغی آنان بر ضد تشیع، در مهد تشیع پدید آورد (همان: ۳۶۳) و اگر دولت قاجار از بهائیان حمایت می‌کرد، حمایت‌های پهلوی بیش از آنان بود (حسن لو، ۱۳۸۶ش: ۱۹۰). در این بین، دولت عثمانی نیز دست در دست استعمارگران گذاشت تا ضربه‌ای بر پیکرهٔ شیعیان و اندیشهٔ مهدویت بزند. وی با تبعیدهای مختلف حسینعلی به قلمروهای مسلمانان - بار اول او را به عتبات، بعد به استانبول و در نهایت به فلسطین - تبعید کرده بود به تعداد بهائیان افزود و سبب شد اتحاد مسلمانان کم‌رنگ شود؛ در حالی که استعمارگران علاوه بر تخریب وحدت مسلمانان و ضربه به تشیع به دنبال محکم کردن جای پای دائمی خود در خاورمیانه بودند (حسن لو، ۱۳۸۶ش: ۱۸۵).

### نتیجه‌گیری

یکی از ابعاد تهاجم فرهنگی و جنگ نرم در قالب بروز و ظهور تشکل‌ها، جریان‌ها و جنبش‌های نوپدید دینی با پوشش مسائل عرفانی و معنوی است. مع‌الأسف، فعالیت این‌گونه جریان‌ها در جوامع اسلامی رو به افزایش است و عدم توجه به آنها، زمینهٔ بروز آسیب‌های جدی به فرهنگ خانواده، جامعه و به ویژه آداب و سنن صحیح و عرفان ناب دینی را فراهم می‌آورد. سوءاستفادهٔ دشمن - با مدیریت و محوریت دول استعماری - از غفلت و ناآگاهی‌ها، اختلافات عقیدتی و سیاسی، فقر اقتصادی و فرهنگی و اوضاع نابه‌سامان اجتماعی مردم مسلمان و همچنین، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری بلندمدت او در به انحراف کشیدن افکار، عقاید و علائق جوانان - به عنوان آینده‌داران جامعهٔ اسلامی - از مهم‌ترین مسائل و مشکلات مطرح در موضوع مهدویت می‌باشد. بنابراین، انجام پژوهش‌های راهبردی، آموزش اساتید و معلمان، برگزاری جلسات مناظره، تشکیل حلقه‌های معرفتی در هیئات و مساجد، ضرورت هوشیاری، آگاهی و داشتن راهکارهای صحیح و اثرگذار از سوی مردم و مسئولین را بیش از پیش آشکار می‌سازد. وانگهی، تهیه و تولید فیلم و آثار هنری و نمایش‌های جذاب از مفاهیم معنوی اسلامی و تقویت سینمای معناگرا با مضامین عرفان اصیل اسلامی، آشنا کردن مبلغین دینی با مغالطات و معایب گروه‌های مروج عرفان‌های نوظهور و فرق انحرافی و برگزاری کلاس‌های تدبیر و تفسیر قرآن - به

ویژه آیات مرتبط با موضوع مهدویت - از جمله برنامه‌های عملی و راهگشا در این خصوص می‌باشد.

## منابع

### قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۸ق)، *کمال‌الدین و تمام النعمه*، قم: مسجد مقدس جمکران، ششم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال‌الدین و تمام النعمه*، تهران: اسلامیه، دوم.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد (۱۳۶۳ش)، *العبر (تاریخ ابن خلدون)*، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، اول.
۴. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م)، *جمهرة اللغة*، بیروت: دارالعلم للملایین، اول.
۵. ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق)، *المحکم والمحیط الأعظم*، تحقیق و تصحیح: عبدالحمید هنداووی، بیروت: دارالکتب العلمیة، اول.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، سوم.
۷. اربلی، محدث (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تبریز: بنی هاشمی، اول.
۸. اشراق خاوری، عبدالحمید (بدیع ۱۲۸)، *گنجینه حدود و احکام*، بی‌جا: مؤسسه ملی مطبوعات امری.
۹. افراسیابی، بهرام (۱۳۶۶ش)، *بهائیت به روایت تاریخ*، تهران: نشر پرستش، اول.
۱۰. الامین، شریف یحیی (۱۳۷۸ش)، *فرهنگنامه فرقه‌های اسلامی*، تهران: باز، اول.
۱۱. امین، امیرمهدی (۱۳۹۰ش)، *پیدایش: بهائیت پژوهی*، تهران: گوی، دوم.
۱۲. آل محسن، شیخ علی (۱۴۳۴ق)، *الرد القاصم، لدعوة المفتري علی الإمام القائم*، نجف اشرف: مرکز الدراسات التخصصی فی الامام مهدی، اول.
۱۳. آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۵ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، ترجمه: محمد علی انصاری، قم: امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، چهارم.
۱۴. بالادستان، محمد امین؛ حائری پور، محمد مهدی؛ یوسفیان، مهدی (۱۳۸۷ش)، *نگین آفرینش (درسنامه دوره مقدماتی معارف مهدویت)*، قم: بنیاد فرهنگ حضرت مهدی

- موعود بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، سیزدهم.
۱۵. پورا کبر، الیاس (۱۳۹۳ش)، «آسیب‌شناسی مهدویت از بعد مدعیان دروغین»، *مجله آموزش معارف اسلامی*، دوره بیست و ششم، شماره ۹۳.
۱۶. تونه‌ای، مجتبی (۱۳۸۸ش)، *موعودنامه (فرهنگ الفبایی مهدویت)*، قم: عصر ظهور، اول.
۱۷. ثابت راسخ، یدالله (۱۳۹۲ش)، *نشیب و فراز: یادداشت‌های سرهنگ ثابت راسخ در چرایی بازگشت از بهائیت*، تهران: گوی، اول.
۱۸. جعفری، محمدصابر (۱۳۸۹ش)، «پرسش و پاسخ مهدویت: درباره واژه مهدویت»، *مجله پاسدار اسلام*، سال سی‌ام، شماره ۳۴۹.
۱۹. چلونگر، محمدعلی (۱۳۸۱ش)، *زمینه‌های پیدایش خلافت فاطمیان*، قم: پژوهش‌شکده حوزه و دانشگاه.
۲۰. حبیبی، مهدی (۱۳۹۴ش)، *نگاهی تاریخی به آئین بهائی: نگاهی به تاریخچه بهائیت و ارتباط آن با قدرت‌های زمان*، تهران: گوی، اول.
۲۱. حسن‌لو، امیرعلی (۱۳۸۶الف)، «فرق انحرافی: بهائیت در سایه استعمار»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، سال اول، شماره چهارم.
۲۲. حسن‌لو، امیرعلی (۱۳۸۶ب)، «فرق انحرافی: شکل‌گیری بهائیت و پیوند با صهیونیسم»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، سال اول، شماره سوم.
۲۳. حسینی زبیدی، محمدمرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دارالفکر، اول.
۲۴. حسینی طباطبایی، مصطفی (۱۳۸۰ش)، *ماجرای باب و بهاء*، تهران: روزنه، سوم.
۲۵. حسینی نیشابوری، محمدعلی (۱۳۷۹ش)، *بررسی اندیشه و تفکر رانجم‌ن خیریه مهدوی ۴ حجثیه (پایان‌نامه)*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۲۶. حق‌پرست، کریم (۱۳۸۸ش)، «بهائیت؛ مائده آسمانی یا زائده استعماری؟»، *مجله کتاب نقد*، سال یازدهم، شماره ۵۲.
۲۷. خدیری‌زاده، علی‌اکبر (۱۳۷۷ش)، «حسن‌علا و روابط ایران و آمریکا»، *فصل‌نامه تاریخ معاصر*، سال دوم، شماره هفتم.
۲۸. خمینی، سیدحسن (۱۳۸۹ش)، *فرهنگ جامع فرق اسلامی*، تهران: اطلاعات، اول.

۲۹. خندان، علی اصغر (۱۳۸۰ش)، *مغالطات*، قم: بوستان کتاب، اول.
۳۰. خوشنویس، جعفر (۱۳۸۰ش)، «مهدویت و فرقه‌های انحرافی»، *مجله انتظار موعود*، سال اول، شماره یک.
۳۱. دانش پژوه، امیرحسین (۱۳۹۰ش)، «نگاهی به عرفان‌های نوظهور»، *مجله منبر*، سال اول، شماره یک.
۳۲. دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان (۱۳۸۹ش)، *نیمه پنهان؛ سایه روشن بهائیت*، تهران: شرکت انتشارات کیهان، هفتم.
۳۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران، یازدهم.
۳۴. دهقان، مرتضی (۱۳۸۶ش)، *میشاق آسمانی*، تهران: مکیال، اول.
۳۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بی‌جا: مؤسسه فرهنگی آرایه.
۳۶. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۱ش)، *فرق و مذاهب کلامی*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، دوم.
۳۷. رهنمائی، حسین (۱۳۹۵ش)، *درس‌نامه شناخت بهائیت*، تهران: گوی، اول.
۳۸. رئوفی، مهناز (۱۳۸۹ش)، *مسلخ عشق*، تهران: انتشارات کیهان، چهارم.
۳۹. زعیم الدوله تبریزی، محمد مهدی (۱۳۴۶ش)، *مفتاح باب الابواب یا تاریخ باب و بهاء*، ترجمه: حسن فرید گلپایگانی، تبریز: نوشته، اول.
۴۰. الساده، مجتبی (۱۳۸۷ش)، «مدعیان سفارت و نیابت حضرت مهدی»، ترجمه: سیدشاهیپور حسینی، *مجله موعود*، شماره ۸۷.
۴۱. سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۷ش)، *درس‌نامه مهدویت*، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، پنجم.
۴۲. شکیبیا، پویا (۱۳۸۶ش)، «بهائیت و اسرائیل: پیوند دیرین و فزاینده»، *ماه‌نامه زمانه*، سال ششم، شماره ۶۱.
۴۳. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۸۶ش)، *پیام‌های مهدوی*، قم: نشر راسخون، اول.
۴۴. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۸۷ش)، *پیرامون معرفت امام*، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار آیت‌الله گلپایگانی، دوم.
۴۵. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۱ش)، *اصالت مهدویت*، قم: انتشارات حضرت

معصومه علی‌نژاد.

۴۶. صدقی، ابوالفضل (۱۳۸۸ش)، «جریان‌شناسی انجمن حجتیه»، *مجله پانزده خرداد*، شماره ۲۰.

۴۷. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرين*، تهران: کتابفروشی مرتضوی، سوم.

۴۸. عابدی، احمد (۱۳۸۰ش)، «فرقه‌شناسی: مهدویت و فرقه‌های انحرافی - فرقه شیخیه»، *مجله انتظار موعود*، سال اول، شماره دوم.

۴۹. عشقی، داریوش (۱۳۸۹ش)، *علل پیدایش عرفان‌های نوظهور*، مؤسسه فرهنگی تبیان: <http://article.tebyan.net>.

۵۰. فدائی، حسن (۱۳۸۴ش)، *اعتقاد به مهدویت و تأثیر آن در تعلیم و تربیت (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد)*، تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، گرایش تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی و روان‌شناسی واحد تهران مرکزی.

۵۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، *العین*، قم: انتشارات هجرت، دوم.

۵۲. فضایی، یوسف (۱۳۵۴ش)، *تحقیقی در تاریخ و فلسفه بابی‌گری و بهائی‌گری و کسروی‌گرایی*، تهران: مؤسسه مطبوعاتی فرخی.

۵۳. فیض، محسن (۱۳۸۷ش «الف»)، *بهائی‌پژوهی: جای پای تزار*، تهران: گوی.

۵۴. فیض، محسن (۱۳۸۷ش «ب»)، *بهائی‌پژوهی: پیراستعمار*، تهران: گوی.

۵۵. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ششم.

۵۶. قندهاری، محمدهادی (۱۳۸۵ش)، *آفتاب زندگانی*، قم: رادنگار، اول.

۵۷. کلینی، محمد بن یعقوب (بی‌تا)، *اصول کافی*، تهران: نشر فرهنگ اهل بیت (ع)، اول.

۵۸. کاتوزیان، محمد علی (۱۳۷۳ش)، *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.

۵۹. گروه پژوهش و نگارش سایت بهایی‌پژوهی (۱۳۸۹ش)، *مهدویت آرمان آسمانی*، تهران: گوی، اول.

۶۰. مازندرانی، فاضل (۱۳۴۶ش)، *اسرار الآثار خصوصی*، بی‌جا: مؤسسه ملی مطبوعات امری، اول.

۶۱. مجلسی، محمدباقر (بی‌تا)، *بحار الانوار*، تهران: اسلامیه.

۶۲. مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۱ش)، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم.
۶۳. مشعل پور فرد، علی (۱۳۹۰ش)، *مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم عدالت گستر عالم هستی*، اهواز: اسوه، اول.
۶۴. موثقی، سیداحمد (۱۳۹۴ش)، *جنبش‌های اسلامی معاصر*، تهران: سمت، دوم.
۶۵. موجانی، سیدعلی (۱۳۸۴ش)، *بررسی مناسبات ایران و آمریکا*، تهران: وزارت امور خارجه، دوم.
۶۶. موسوی حجازی، سیدجمال (۱۳۹۳ش)، *شرحی بر پیام امام زمان علیه السلام*، قم: دارالطب، اول.
۶۷. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹ش)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، پنجم.
۶۸. نامدار، مظفر (۱۳۸۷ش)، *استعمار و ظهور مسلک‌های شبه دینی*، تهران: مؤسسه جام جم، اول.
۶۹. نصوری، محمدرضا (۱۳۸۲ش)، «متمهدیان و مدعیان مهدویت نگاهی تاریخی به دعاوی و نسبت‌های دروغین مهدویت»، *مجله انتظار*، شماره ۸-۹.
۷۰. نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران: انتشارات صدوق، اول.
۷۱. نفیسی، اکبر (۱۳۷۳ش)، *عقاید صوفیه*، تهران: انتشارات مهر، اول.
۷۲. ولایتی، علی اکبر؛ بحرالعلوم میردامادی، سید محمود؛ حقانی، موسی و دیگران (۱۳۸۹)، *بهائیت آن‌گونه که هست*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی جام جم.
۷۳. هادیان، مهدی (۱۳۸۸ش)، *مهدی ستیزان*، تهران: گوی.
۷۴. هاشمیان فر، علی؛ حالک، مریم (۱۳۹۳ش)، «بررسی ابعاد فعالیت فرقه‌های معنویت‌گرای فعال اصفهان»، *فصل‌نامه پژوهش‌های مهدوی*، سال دوم، شماره هشتم.
۷۵. یحیی‌الأمین، شریف (۱۳۷۸ش)، *فرهنگ‌نامه فرقه‌های اسلامی*، ترجمه: محمدرضا موحدی، تهران: انتشارات باز، اول.